



اروپا منازعه بین هويت و منفعت

جوان: یکی از دستاوردهای پیش‌بینی‌نشده برجام، قرار گرفتن اروپا در یک آزمون دشوار بود. آنان گمان نمی‌کردند شرایط به صورتی رقم بخورد که حیثیت خود را در گوشه رینگ ببینند و برای خروج از وضع موجود به تناقض‌جویی بیفتند. اکنون آمریکا در مقابل چشم جهانیان از جمله ملت‌های اروپایی به تعهدی پشت‌پا زده است که اروپاییان امضا نموده‌اند و اگرچه تصمیم آمریکا را غیرمنطقی می‌دانند اما از یک سو حاضر به اندک تقلیلی در آورده‌های اقتصادی خود نیستند و از سوی دیگر می‌خواهند در مقابل جهان بگویند رابطه ما با آمریکا رابطه پدر-فرزندی نیست بلکه در طول هم سیاست‌های استعماری را پیش می‌بریم. سؤال اساسی این است که وزن‌کشی امروز آمریکا با اروپاییان منجر به حفظ هویت اروپا خواهد شد یا حفظ منفعت؟ رئیس اتحادیه اروپا بحث استقلال اروپا را مطرح و ماکرون این مسئله را به هویت اروپا ارجاع داد که آیا اروپا در تصمیمات بین‌المللی قدرت و توان عمل مستقل را دارد؟ اصولاً اگر روزی لازم باشد اروپا می‌تواند در مقابل آمریکا تمام قد بایستد؟ تعدیل اقتدار اروپا در این مسئله به صورت طبیعی آینده روابط این کشور با جهان را دچار تغییر خواهد کرد و جهان فردا اروپا را به عنوان یک قاره که شجاعت و جسارت لازم برای دفاع از خود را ندارد خواهد شناخت.

بازی «اون» با ترامپ و تنها راه حل بحران آمریکا و کره شمالی

کیهان: دو کشور «کره شمالی» و «آمریکا» طی یکی دو روز گذشته تبدیل به محور تحلیل‌های بسیاری در رسانه‌های سراسر دنیا شدند. اعلام شد کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی چند روز پس از آزاد کردن سه زندانی آمریکایی، تونل‌هایی را که محل آزمایش‌های هسته‌ای‌اش بود، مقابل دیدگان خبرنگارانی از سراسر دنیا منفجر و به وعده‌اش عمل کرد اما ترامپ با لغو دیدارش با «اون» و از سرگیری تهدیدها و اعلام اینکه، هم تحریم‌ها ادامه پیدا خواهند کرد و هم گزینه نظامی هنوز روی میز است، در برابر خوش‌قولی پیونگ یانگ، «دبه» کرد. اگرچه این «بدعهدی» با جملات دلگرم‌کننده‌ای همراه بود که هدفش، جز باز گذاشتن راه مذاکره، چیز دیگری نبود. کیم جونگ اون جوان است و تازه‌کار اما کشورش توانسته خود را به بالاترین سطح دانش هسته‌ای و توانایی نظامی برساند. این کشور اصلاً با مرتجعین عربی که همه چیزشان اجاره‌ای است (حتی ارتششان) قابل مقایسه نیست. بنابر این بعید است آن طور که آمریکا انتظار دارد، تسلیم این کشور شود. تجربه برجام نیز به خوبی نشان داد، از آدمی مثل ترامپ کسی انتظار عمل به وعده ندارد چه رسد به دادن تضمین‌های قوی. بنا بر این فقط یک راه‌حل می‌ماند و آن، «چین» است. آیا چین، کشوری که سودای ابرقدرتی دارد و در اندیشه به زیرکشیدن هژمونی آمریکاست، حاضر می‌شود چنین ابزار قدرتمندی را از دست بدهد؟! پاسخ روشن است.

«اون» شاید از انجام این مذاکرات انگیزه‌های دیگری غیر از آنچه اعلام می‌شود داشته باشد. مثلاً به چالش کشیدن آمریکا و اعلام اینکه، این آمریکاست که بدعهد است و غیر قابل اعتماد. روی کار آمدن آدم بدعهدی مثل ترامپ نیز در رسیدن اون به این هدف کمک کرده است. اگر به تحلیل‌هایی که بعد از بدعهدی ترامپ و لغو دیدارش با اون در رسانه‌ها منتشر شده (و در ابتدای این و جیزه به آن اشاره کردیم) نگاهی بیندازیم خواهیم دید، همان طور که ریچارد هاوس، نانسی پلوسی و سناتور منندز هم دیروز اعلام کردند، «کره شمالی در برابر آمریکا پیروز شد» و «دنیا به این نتیجه رسید که آمریکا غیر قابل اعتماد است.»

چرا آمریکا از پیروزی صدر در عراق نگران است؟

فارس: تقابل جریان صدر با آمریکا در عراق به سال های دور و زمانی بر می گردد که رهبری این جریان یعنی مقتدی صدر جیش المهدی را به عنوان یکی از نیروهای ضدآمریکایی در عراق به وجود آورد. جیش المهدی شاخه نظامی جریان صدر بود. بعد از سرنگونی حکومت صدام، مقتدی صدر با هدف مبارزه با اشغالگران این گروه را ایجاد کرد. در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۶۰۰۰ عضو در این گروه بودند. این گروه مخالف سرسخت حضور آمریکا در عراق بوده است. مقتدی صدر در یکی از سخنرانی های خود در سال ۲۰۰۵ با اشاره به وظیفه جیش المهدی در حمایت از اسلام گفته بود «اگر کشورهای اسلامی و همسایه از جمله ایران مورد حمله قرار گیرند، از آن کشورها حمایت می کنیم.» به دلیل اختلافاتی که در ساختار سیاسی عراق در سال ۲۰۰۸ به وجود آمد و به دلیل برخی اقداماتی که این گروه انجام داد نهایتاً این شاخه توسط رهبر آن یعنی مقتدی صدر منحل شد. بعدها سرایا السلام جای جیش المهدی را گرفت. هدف این گروه نیز دفاع از عتبات و شیعیان و مبارزه با سلطه گری اشغالگران در عراق بود و نبردهایی نیز با داعش داشته است. سامرا، آمرلی، و برخی از مناطق دیگر عراق از جمله این نبرها بوده است. حالا که مقتدا صدر یعنی رهبر جریان صدر توانسته ۵۴ کرسی پارلمان را کسب کند، طبیعی است اولین کشوری که باید از این موضوع نگران باشد، آمریکا است. سابقه ضد آمریکایی جریان صدر کاملاً مشخص است.

بوق ممتد را بشنوید

صبح نو: تجمع چندروزه کامیون داران در حالی رقم خورد که بیشتر آنها به حضور دلان در توزیع بار و مهم تر از آن کاهش نرخ کرایه های حمل و نقل اعتراض داشتند. اعتراض کامیون داران و نفتکش ها از مدت ها پیش آغاز شده بود و هر بار با وعده هایی این اعتراضات قبل از جدی شدن به اتمام می رسید، موضوع مهم تر شاید این است که در این مدت وزارت راه و شهرسازی که متولی اصلی رسیدگی به این صنف هستند واکنشی نسبت به این اتفاق نداشته است. در پی انتشار خبر اعتراض کامیون دارها و نفتکش ها تعداد زیادی به پمپ بنزین ها هجوم بردند و این موضوع با شایعاتی نظیر آتش زدن چند پمپ بنزین در شیراز همراه و باعث شد تا حساسیت های شبکه های معاند به ویژه شبکه سلطنتی (بی بی سی) به این موضوع بیشتر شود. خوراکی که این اتفاق به شبکه های مخالف سیاست های جمهوری اسلامی به دست آورده اند بی ارتباط به سکوت طولانی مدت اصلی ترین متولی این بخش یعنی همان وزارت راه و شهرسازی نیست. برخی چهره های مخالف جمهوری اسلامی روز پنجشنبه در پیام هایی از اعتصاب کامیون داران در ایران حمایت کردند. از جمله رضا پهلوی که در پیامی تویتری این اعتصاب را «نقطه عطف تازه ای در مبارزات مسالمت آمیز و حق طلبانه مردم ایران» توصیف کرد. البته این تنها فردی نیست که این اعتراضات را راهی برای سلطه به ایران می داند. مریم رجوی از رهبران ارشد سازمان منافقین که چهره واقعی اش سال هاست برای مردم ایران رو شده نیز در پیامی عموم مردم را «به حمایت و پشتیبانی» از اعتصاب کنندگان تشویق کرده است. شبکه های خبری فارسی زبان از (بی بی سی) گرفته تا صدای آمریکا و رادیو فردا و ... دلک هایی که افسارشان هم دست خودشان نیست از این معرکه به نفع منافع خود و دست های پشت پرده بهره برداری کرده اند و به جرأت می توان گفت این اتفاق می توانست نیفتد اگر مسوولان ارشد کشور، به ویژه عباس آخوندی به عنوان وزیر، برای رفع مشکلات مردم در سطوح مختلف برنامه ریزی می کردند.

مشکل بزرگ اصلاح طلبان انحصار طلبی و بی‌اعتنایی به معیشت مردم

آرمان: نخستین آفت جریان اصلاحات عدم توجه به نیازهای اساسی جامعه است یعنی شعار این جریان «تقدم آزادی بر نان» مطرح شد اما این شعار تنها در برهه انتخاباتی پاسخگو است و پس از آن، ساده‌انگاری است که از جماعتی درگیر تامین معاش انتظار حمایت سیاسی داشت. حجاجیان معتقد است که اصلاحات وعده دگرگونی اقتصاد را نداد و از توسعه سیاسی سخن گفت و مردم نیز وعده‌های سیاسی او را خریدند و دریافتند مادامی که مسئله سیاست رفع نشود، دغدغه نان برطرف نمی‌شود» اما تجربه نشان داده که برای بخش بزرگی از جامعه ایرانی تامین معیشت از اهمیتی فراتر از توسعه سیاسی برخوردار است. مشکل دیگر جریان اصلاحات که نه در ابتدای تشکیل بلکه بعدتر به آن دچار شد، انحصار طلبی سیاسی بود یعنی با قوت گرفتن جریان اصلاحات طیف‌های مختلفی در درون آن متولد شدند که هر کدام خواسته و گرایش خاص خود را داشتند و البته تاکید آنها هم بر این بود که نظر آنها از سوی دیگر طیف‌ها پذیرفته و اجرا شود که همین موضوع سبب برخی گلایه‌ها در جریان اصلاحات شده است.

حاشیه‌ای بر فهرست تضمین‌ها

وطن امروز: فرمایشات روز چهارشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره آینده برجام، خط مشی راهبردی کشور را هم در مذاکرات جاری با اروپا و هم در چگونگی اداره کشور در شرایطی که دشمن آشکارا درصدد به هم ریختن وضعیت داخلی است، روشن می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی فهرست تضمین‌های مورد درخواست از اروپا را -که در واقع روایتگر خطوط قرمز ایران در مذاکرات است- شفاف و علنی کردند. به لحاظ راهبردی، وقتی خطوط قرمز علنی می‌شود عقب‌نشینی از آنها بسیار دشوار خواهد بود. این بار، خطوط قرمز مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی قبل از حصول هرگونه توافق علنی شده بنابراین مذاکرات محتوا و مسیر کاملا مشخصی پیدا خواهد کرد. تضمین‌های مورد نظر رهبری از اروپا در واقع عمل به همان وظایفی است که اروپایی‌ها در برجام برعهده گرفته بودند اما علاقه‌ای به عمل به آن از خود نشان ندادند. اکنون که آمریکا بیرون برجام ایستاده، ایران بار دیگر فرصتی به اروپا داده است که روشن شود قادر به نشان دادن حداقلی از استقلال راهبردی هست یا نه؟ مهم‌تر از این، مرور فهرست تضمین‌های مطالبه‌شده نشان می‌دهد خروجی مذاکره با اروپا - اگر قرار بر این باشد که خروجی حاصل شود - نه تکرار یا ادامه برجام، بلکه باید توافقی جدید باشد که بتواند ماموریت شکست خورده برجام یعنی کاهش تحریم‌ها را محقق کند.

روشی تحلیل مسائل سیاسی / اثرات انقلابی‌نماها بر جامعه اسلامی (۳)

۱۴ قرن بعد از انقلاب نبوی، انقلاب اسلامی ایران نیز در مرحله‌ی دولت‌سازی و جامعه‌سازی، با همین سه دسته از افراد مواجه است: "اصحاب راستین انقلاب اسلامی"، که با باور تام و تمام به خط انقلاب، در همه‌ی شرایط، در کنار "رهبران انقلاب اسلامی" قرار گرفتند و با کار و تلاش شبانه‌روزی، کار انقلاب را به پیش بردند؛ "ضعیف‌الایمان‌هایی" که به دلیل هوای نفس، دنیاطلبی یا ترس از دشمن، در رخدادها و حوادث تاریخی، پایشان لرزید و یا دست از انقلابی‌گری برداشته و تبدیل به یک انسان خستی شدند، یا حتی به سمت دشمن، میل پیدا کردند؛ و "انقلابی‌نمایی‌هایی" که شعار انقلاب داده و می‌دهند و عکس آن عمل می‌کنند.

